

تپه‌ی گیان (۱)

(تاریخچه و نحوه‌ی حفاری در آن)

محمود ایراندوست

کارشناس ارشد رشته‌ی باستان‌شناسی

مقدمه

اصولاً انسان موجودی است که قابلیت تطابق با محیط را بیش از هر موجود دیگری داراست. امروزه با هواپیماهای سریع‌السیر می‌توان انسان را در مدت کوتاهی از نقطه‌ای واقع در روی خط استوا به عمق قسمت‌های سرد قطب‌ها انتقال داد و با وسایلی که در اختیارش قرار داده می‌شود می‌توان مطمئن بود که وی قادر خواهد بود به زندگی خود ادامه دهد و یا می‌توان او را از محلی واقع در حاشیه‌ی کویر ایران به ارتفاعات آلپ در سوئیس برد و ملاحظه کرد که با چه سرعتی خود را با محیط زیست جدید تطبیق می‌دهد. هم‌چنین با توجه به موقعیت طبیعی و جغرافیایی ایران و با در نظر گرفتن مراحل مختلف تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژی انسان، این کشور قادر است با استفاده از حداقل صنایع پوششی و تکنولوژی گرمایی و یا سرمایی به حیات خویش ادامه دهد.

از طرف دیگر وضعیت آب و هوایی و قوت رویشی خاک در برخی نقاط سبب شده است که طبیعت، مواد غذایی مورد نیاز انسان را از لحاظ مواد گیاهی و به تبع آن حیوانی به آسانی در اختیارات اجتماعات - هر چند حداقل وسیله و ابزار را داشته باشند - قرار می‌دهد و از این طریق نیازمندی آنان را بر طرف می‌سازد. بنابراین اگر در مرکز کویر و یا در رأس ارتفاعات زاگرس و البرز جای مناسبی برای زندگی نبوده و نیست، ولی نقاط دیگری را می‌توان در ایران معین کرد که همواره برای پذیرایی انسان فاقد ابزار پیشرفته‌ی

۱ - از همشهری گرامی، آقای احمد ظفری دبیر محترم انگلیسی در تهران، نیز سپاس‌گزاریم که دغدغه‌ی خود را درخصوص ضرورت شناساندن تپه‌ی تاریخی گیان به گردشگران داخلی و خارجی در قالب یک گزارش هشت صفحه‌ای از تپه‌ی گیان ارسال داشتند، که هرچند به دلیل اختصار و اشتراک محتوای آن با مقاله‌ی بالاچاپ آن در اولویت قرار نگرفت، اما بیانگر عشق و علاقه‌ی نام‌برده به زادگاه تاریخی خویش است، با سپاس مجدد از ایشان. «فرهنگان»

کشاورزی و تولید آماده بوده است .

با توجه به اصول کلی فوق است که پژوهشگران برای بررسی و مطالعه‌ی آثار و بقایای اجتماعات باستانی ایران فعالیت‌های خود را آغاز و پیگیری می‌کنند .

توضیح این‌که تکنولوژی افزاری انسان در طول دوره‌ی جمع‌آوری غذا محدود بود به دست افزارهای سنگی ساده‌ای که کارآیی محدودی داشتند و تنوع ساخت و پرداخت آن‌ها در برآوردن احتیاجات ساده ، آن‌هم در سطح جمع‌آوری غذا ، محدود بود . این دست افزارها عمدتاً از سنگ‌های لاشه و یا قلوه سنگ‌های کف رودخانه‌ها تهیه می‌شدند و با کمک آن‌ها به جمع‌آوری غذا از راه‌های مختلف (شکار و صید) اقدام می‌کردند .

در این دوره انسان معمولاً در محدوده‌ی جغرافیایی طبیعی قابل زیست و دارای شرایط مناسب محیط زیستی دائماً در حال تردد بود و از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر در داخل آن محدوده حرکت می‌کرد . (هر چند به ندرت و گاهی نیز به اجبار برای برآوردن نیازهای غذایی از این محدوده‌ها خارج می‌شد و در داخل محدوده‌ی جدید به تردد و حرکت می‌پرداخت) .

همین حرکت دائم از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر سبب شده بود که از غارها و یا پناهگاه‌های طبیعی به عنوان سرپناه خود به منظور گذرانیدن اوقات شب استفاده کند و شخصاً در ایجاد سرپناه‌های مورد نیاز کوشش نکند . معماری در این دوره محدود به ساختن ساده‌ترین نوع اجاق بود که در حقیقت به کمک چند قطعه سنگ به محدود کردن مواد آتش‌زا در یک مقیاس کوچک انجام می‌شد .

از ویژگی‌های اقتصادی این دوره این است که انسان هرآن‌چه را که به دست می‌آورد و تهیه می‌کرد به مصرف می‌رسانید . آینده‌نگری در امر مصرف مواد غذایی در حداقل درجه‌ی توجه قرار داشت و با وجودی که ممکن بود انسان به ناچار به مصرف پس مانده‌ی غذای وعده‌ی قبل و یا حتی روز قبل بپردازد ، ولی هیچ‌گونه تصور ذهنی نسبت به آن‌چه برای ما «ذخیره» معنی و مفهوم دارد نداشته است . در حقیقت فرمول اقتصادی این دوره از تطور فرهنگی انسان چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان می‌تواند به صورت فرمول ساده‌ی «تهیه و مصرف» خلاصه شود .

در دوره‌ی جمع‌آوری خوراک ، مفهوم و معنی «ذخیره‌ی خوراک» از مرحله‌ی

تصور به مرحله‌ی عمل در آمد. اجتماعات انسانی در این دوره آن مقدار غذا تهیه می‌کردند که بتوانند علاوه بر مصرف، بخشی از آن را برای استفاده در آینده‌ی نزدیک نگاه دارند. ضمناً در این دوره غذا را تا حدودی آماده‌ی مصرف می‌کردند.

چنانچه خواسته باشیم برای این دوره‌ی فرهنگی نیز یک فرمول اقتصادی به کار بریم تقریباً همان فرمول قبلی خواهد بود با یک تغییر بسیار کوچک؛ یعنی تهیه و مصرف، به اضافه‌ی ذخیره‌ی مقدار کم.

همین تغییر به ظاهر کم اهمیت یعنی ذخیره‌ی کم مواد غذایی مازاد بر مصرف برای آینده‌ی نزدیک را باید دوره‌ی تکوینی برای دوره‌ی بعد که به آن دوره‌ی تولید غذا و استقرار می‌گوییم محسوب کرد.

در آغاز استقرار و تولید غذا بقایای فرهنگی، فاقد آثار معماری در خور توجه هستند. سازش‌های مختصری که متناوب با نیازهای ضروری بودند مانند اجاق و حفره‌های کوچک ذخیره‌ی مواد قابل ذخیره و در برخی اوقات نیز ایجاد سرپناه‌های موقت به صورت گوناگون و با استفاده از سهل‌الوصول‌ترین مواد اولیه‌ی ساختمانی از ویژگی‌های عمده‌ی معماری این دوره است. از ویژگی‌های تکنولوژیکی در پایان این مرحله و در اوایل مراحل استقرار دائم در یک مکان، ساخت و استفاده از سفال است. ساختن سفال در مقایسه با ابزار و ادوات سنگی که تماماً از تغییر شکل دادن به ماده‌ی اولیه صورت می‌گرفت، یک نوع صنعت ترکیبی محسوب می‌شود. تهیه‌ی سفال دارای مراحل مختلفی است. این اختلاف و تفاوت ناشی از آن است که مواد اولیه‌ی سفال در ظاهر تغییر شکل می‌دهد.

با مقایسه‌ی آثار به دست آمده در شرق میانه این نکته شایان دقت است که سفال سازی در ابتدای عصر حجر جدید آغاز گردید و رفته رفته صنعت آن رو به ترقی گذارد. چنان‌که می‌دانیم در دوران پیشرفته‌ی ماشینساز یعنی عصر حاضر نیز نقاطی در روی کره‌ی زمین وجود دارد که هنوز دوران پالئولیتیک Paleolithic را بدون تردید به پایان نرسانیده‌اند.

به آسانی نمی‌توان دانست که انگیزه‌ی بشر در ساختن ظروف سفالین به اشکال مختلف چه بوده است. ولی باید دانست که آب طی قرون و اعصار مانند امروز، منشأ زندگی و حیات بوده و بدیهی است که جامعه‌ی بدوی می‌بایست با وسایلی مجهز گردد تا بهتر بتواند از آن استفاده کند. بشر این راز را قبلاً دریافته بود که از کدو و نارگیل و صدف

دریایی و ظروف طبیعی دیگر به عنوان نگهداری آشامیدنی و خوردنی استفاده کند . اما بشر موجودی است تجربه اندوخته و تکامل یافته و دائماً در ابزار و آلات خود تجدید نظر کرده است . بعید نیست که سفال سازی در اثر یک تصادف ایجاد شده باشد یا مثلاً مجاورت قطعه گلی در کنار آتش و پخته شدن آن ممکن است بشر را در خط سفالگری انداخته باشد . می دانیم گل رس به هر صورتی در می آید و فوراً به خود شکل می گیرد . ممکن است که بشر ابتدایی قطعه ای از گل رس را به صورتی در آورده و سپس آن را در آتش و یا آفتاب قرار داده و وقتی دیده است که آن شکل گلی سخت و محکم شده به تجربه ی جدید دست یافته است .

به هر حال با توجه به کاوش های باستان شناسی اولین قطعه سفال دوره ی پیش از تاریخ ایران از طبقه ی "B" تپه ی گنج درّه به دست آمده است . اولین و تنها قطعه سفالی که از طبقه ی B به دست آمده است سفالی است به رنگ خاکستری چرکین که بسیار نرم و سبک است . با توجه به آزمایش کرین ۱۴ ، این قطعه سفال ، دارای تاریخی برابر با 150 ± 8450 ق . م . است . بعد از گنج دره در ایران هم زمان با دوره ی محمد جعفر در تپه ی علیکش به سفال های دیگری برمی خوریم . البته این سفال ها نرم خرد شونده هستند . تاریخ این سفال ها بر اساس آزمایش های کرین ۱۴ ، چیزی حدود 150 ± 6970 ق . م . است . از این زمان به بعد ما در کلیه ی سایت های پیش از تاریخی ایران که مورد کاوش باستان شناسی قرار گرفته اند با سفال مواجه هستیم و هرچه از تاریخ مذکور به جلوتر می آییم ، رفته رفته سفال ها بهتر ، متنوع تر و از نظر تکنیک ساخت عالی تر می شوند . این روند در منطقه ی زاگرس از سرعت بیشتری برخوردار بوده است و سایت های حفاری شده در این ناحیه خود گویای این مطلب است . یکی از این سایت ها که دارای تاریخی حدود ۳۵۰۰ سال پس از ساخت اولین سفال در ناحیه ی غرب ایران است به تپه ی گیان اختصاص دارد .

در این گفتار سعی خواهد شد ابتدا به بررسی حفاری در تپه ی گیان و سپس مقایسه ی آثار به دست آمده در این سایت با سایت های هم زمان در نواحی مختلف داخل و خارج از ایران پرداخته شود .

تپه‌ی گیان

تاریخچه و نحوه‌ی حفاری

تپه‌ی گیان در ۱۶ کیلومتری جنوب غرب شهرستان نهاوند واقع شده‌است. در سال ۱۹۲۶ م. به وسیله‌ی ارنست هرتسفلد E.Herfeld کشف شد. بعدها هیئت حفاری موزه‌ی لوور فرانسه حفاری‌هایی به سرپرستی ژرژ کنتنو G.Contenau و رومن گیرشمن R.Ghrshman در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی در این تپه انجام داد^(۱). «تصویر شماره‌ی ۱» A تا D:

تپه‌ی گیان امروزه بر اثر خاک برداری روستائیان آسیب‌های جدی و فراوانی دیده‌است. گستره‌ی حفاری ۳۵۰×۱۵۰ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۹ متر بوده‌است.

جهت تپه شمالی-جنوبی است و این جهت از نظر معماری در راستای مقابله با باد بسیار مهم است.

حفاری در گیان به صورت متریکی بوده‌است. یعنی لایه‌نگاری متریکی، نه پیگیری و نه جدولی. (منظور از پیگیری این است که حفاری مثلاً یک دیوار را می‌گیریم و دنبال می‌کنیم. بعضی جاها حفاری به صورت ترکیبی است مانند هفت تپه‌ی خوزستان).
گمانه‌های حفاری شده در وسط تپه قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

۱- ترانشه‌ی A: اولین ترانشه با ابعاد ۲۰×۱۵ متر و با عمق ۲/۵ متر پایین‌تر از سطح تپه و در جبهه‌ی غربی تا عمق ۴ الی ۵ متری ادامه داشته‌است.

۲- ترانشه‌ی A: در درون یک گودال در جبهه‌ی جنوبی و به فاصله‌ی کمی در جنوب ترانشه‌ی "A" حفر گردیده‌است. این گودال که به صورت غیر مجاز حفر شده بود به صورت یک ترانشه درآمد که ۵/۸۰ سانتیمتری پایین‌تر از سطح تپه قرار گرفت.

۳- ترانشه‌ی B: در عمق ۲/۵ متری پایین‌تر از سطح تپه و متصل به ترانشه‌ی شرقی به ابعاد "۲۶×۲۰" متر حفر شد. عمق کلی این ترانشه ۲۱/۵ متر بوده‌است، در حالی که سطح

۱- واندنبرگ، لویس L. Vanden bery، باستان‌شناسی ایران، ترجمه‌ی عیسی بهنام، انتشارات

خاک تا ۱۹ متری بکر بوده است .

۴- ترانشه‌ی C: در کنار ترانشه‌ی B و متصل به دیوار جنوبی با ابعاد "۲۶×۱۵" متر و تا عمق ۶/۵ متری حفر گردید .

۵- ترانشه‌ی ترکیبی B.C: که تا عمق ۲۰ متری حفاری شد^(۱). «تصویر شماره‌ی ۲»
 طرز ساختمان تپه

تپه شامل قسمت بزرگی از قبرستان است که به نظر می‌رسد این قبرستان جانشین سکونت دوره‌ای باشد. قبرها از ارتفاع ۱۹ متر مشاهده می‌گردد و از ارتفاع ۱۰ متر تقریباً قبر دیده نمی‌شود .

این قبور متعلق به بچه‌ها است و سه‌تای آن‌ها شناخته شده است . آخرین قسمت طبقه‌ی اخیر از خرده سفال‌ها و ظروف شخصی پوشیده شده است بدون آن‌که بتوان ساختمان آن‌را شناخت .

در اولین طبقه که مختص دفن بوده است بازمانده‌ی چندین ساختمان دیده می‌شود که مشخص‌کننده‌ی زمان‌های متروکه شدن آن‌هاست .

ساختمان شماره‌ی ۱

بقایای ساختمان‌های اولیه

به طور کلی هنگامی که از بلندترین نقطه‌ی تپه به عمق ۱/۲۵ متری می‌رسیم بقایای دیواره‌هایی که قسمتی از آن هم‌تراز خاک است نمایان می‌شود . در عمق ۱/۲۰ متر پنجره‌ی «ت» که از دو قسمت تشکیل شده است مکشوف گردید .
 قسمت اول: سنگ سیاه بیضی شکل که روی آن قرار داشت .

قسمت دوم: سنگی خاکستری با شکل اسپ‌آهنی که کنده‌های ریزی بر آن منقوش شده است . در مغرب پنجره‌ی سنگ سیاه ، قائم الزاویه‌ای مشاهده شد که در جلوی آن سه ردیف آجر - که به شدت آسیب دیده‌اند - در طول ۳/۵ متر به طرف شمال پنجره «د» و با

۱- ملک شه میرزادی ، صادق ، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران ، جزوه‌ی درسی مقطع

همان اندازه‌های پنجره‌ی «ت» وجود دارد.

از عمق ۴۰ سانتی‌متری در زیر گوشه‌ی شمال غربی، مجرای آبی می‌گذرد که از آجرهایی به همان شکل قبلی تشکیل یافته است.

ساختمان شماره‌ی ۲

اثر دیوارهای این ساختمان در عمق ۴ متری مشاهده شده، اما به علت حفاری‌های غیر قانونی آشکار نمودن دیوارها غیر ممکن است. روش بنا با بناهای شماره‌ی ۱ به طور واضح اختلاف داشته است. سطح آن بالاتر از کف اصلی در نظر گرفته شده است و آن‌ها را با سنگ ریزه و شن پوشانده‌اند.

در بندکشی‌ها زیاد دقت نشده و در محل‌هایی دیوار از چینه است. در داخل یکی از اتاق‌ها دو استوانه که یکی از سنگ زرد نرم است و دیگری استوانه‌ای که حفر آن را با نمره‌ی (۵) معرفی کرده است به دست آمد. قبور واجد ظروف در زیر این بنا نمایان شد.

ساختمان شماره‌ی ۳

در عمق ۱۳/۵ متر، پایه‌ی ظاهری سنگی دیوارها مشاهده می‌گردد. این سنگ‌ها روی سطحی از شن قرار دارند و به عکس شماره‌ی ۱ و ۲ در تهیه‌ی آن دقت و مراقبت کم‌تری شده است. دیوارها از چینه است. مجرای آب برخلاف گذشته در قسمت بالاتر است. سنگ‌هایی که به قسمت شرق مشرف هستند به یک معبر سنگ‌فرش یا کوچی تنگ مربوط می‌شدند.

ساختمان شماره‌ی ۴

این بنا در زیر قبور واجد ظروف واقع شده است و نمی‌توان از آن نقشه‌ای گرفت. سطحی که در عمق ۷/۵ متر قرار دارد از یک طبقه‌ی شن توأم با خرده سفال آمیخته شده است.

سایر ساختمان‌های این عصر عبارت‌اند از پناهگاهی که از گل و نی و شاخ و برگ

ساخته شده‌اند^(۱).

بررسی و مقایسه‌ی آثار تپه‌ی گیان با نقاط پیش از تاریخی ایران

با اطمینان می‌توان گمان برد که بین همه‌ی مردم ساکن مغرب ایران پیوند نژادی و فرهنگی استواری در هزاره‌های سوم و چهارم پ.م. موجود بوده است. دشوار می‌توان نتایجی قطعی را از کاوش‌های باستان‌شناختی پیش از تاریخ در نجد ایران که در تپه‌ی گیان و مثلاً سیلک کاشان انجام شده به دست آورد. اما پیدا شدن سفال‌های یکسان در این دو جا نشانه‌ی آن است که دست کم یک فرهنگ یکنواخت در این جاها وجود داشته است. البته در یکی بودن مردم این دو بخش نمی‌توان چیزی گفت^(۲).

در مقایسه‌ی سفال‌های تپه‌ی گیان "طبقه‌ی ۵ با دیگر تپه‌های باستانی غرب ایران نکات روشن نشده‌ای وجود دارد که چنانچه تا اندازه‌ای از ابهام خارج گردد در پیدایش اصل و منشأ تمدن این قسمت ایران در هزاره‌ی پنجم ق.م. کمک مؤثری خواهد نمود.

بدیهی است نمی‌توان حکم کرد که این مقایسه، صددرصد از راه مطمئن‌ی تبعیت کرده، زیرا با مشکلات همراه بوده است. برای رسیدن به نتیجه‌ی اطمینان بخش لازم بود کلیه‌ی سفال‌هایی که مورد مقایسه قرار می‌گیرند، همچنین وضعیت ظاهری و رنگ آن‌ها سنجیده و بررسی می‌شد. در این صورت ممکن بود این حکم را نسبتاً درست و خالی از خطا دانست، در حالی که نگارنده فقط از نقوش کلیشه‌شده و تألیفات باستان‌شناختی خارجی استفاده نموده و آنچه مورد مطالعه و مقایسه قرار داده شباهت‌ها و اختلافات نقوش روی سفال‌ها است، نه رنگ و ضخامت و چگونگی ساختمان و ترکیبات آن‌ها، و مسلم است که نوع کوره و حرارت آن و چرخ سفالگری و عدم آن مورد بررسی قرار نگرفته است.

روی هم رفته در گیان ۵ طبقه‌ی استقراری مشخص شده است. از جمله این که طبقه‌ی ۵ قدیمی‌ترین طبقه‌ی استقراری است و روی خاک بکر واقع است. این طبقه به ۴

1 - Pouilles Du Tepe Giyan Pre De Nehavand By : R. Ghirshman G. contau

۲- نلیسون فوای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه‌ی، مسعود رجب نیا، تهران بنگاه

ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۴، صص ۹۷ و ۹۸

زیر طبقه‌ی پنج الف ، پنج ب ، پنج ج ، و پنج د تقسیم می شود .
 پاره سفال‌های منقوش که از طبقه‌ی ۵ الف ، ب ، ج ، د تپه‌ی گیان کشف و تنظیم شده است در عمق ۱۰ متری تا قطع خاک خالص ۱۹ متری یافته و غربال شده‌اند .

گیان ۵ الف

سفال‌های این طبقه از عمق ۱۹ متری تا ۱۸ متری قرار داشته‌اند . این طبقه دارای سفال‌هایی است که در هزاره‌ی پنجم در این ناحیه معمول بوده است . این سفال‌ها همه دست ساز ، تمپر Temper آن‌ها گیاهی و نقوش رایج آن‌ها بیشتر از خطوط هندسی و برخی منفی «نگاتیف Negatif» ترکیب شده که به اشکال مختلف تجلی کرده است .

این نقوش عموماً با رنگ سیاه روی زمینه‌ی روشن نقش شده است نمونه‌ای از سفال‌ها که در این ژرفا به دست آمده و در جای دیگری نمی توان آن را یافت دارای آرایشی به شکل دوک یا لوزی و گاه مثلث است . این نقوش گاه مجزا و در بسیاری موارد وابسته به زواید کوچک است (۱) .

این نقوش بر روی سفال‌های "سامره"^(۲) نیز متجلی شده است . عناصر نقش گیان

1 - Ghirshman , Contenau , Pouilles de tepe Giyan de Nehavand . p . 31

۲ - سامره (Samarra) در قسمت شمالی بین‌النهرین و با فاصله‌ی کمی از بغداد در کنار رود دجله واقع شده است . ضخامت آثار این تپه ۱/۵ متر است که در زیر لایه‌ی اسلامی قرار دارد . این تپه توسط هر تسفلد حفاری شد . حفار در این جا انواع زیادی فرم‌های مختلف سفال را به دست آورده که قابل مقایسه با گیان پنج الف است .

(۱) بشقاب‌هایی با بدنه‌ی محدب و لبه برگشته به خارج و کف گرد و صاف

(۲) ظروف دیسی شکل با پایه‌ی بلند

(۳) کاسه‌هایی با بدنه‌های منحنی و کف گرد ، نیمه‌کروی شکل

(۴) سبوهایی بادهانه بسیار باز و بدنه‌ی کروی

(۵) سبوهایی با گردن بلند و بدنه‌ای پخ و گرد و دهانه‌ای باز

پنج الف که به صورت های شطرنجی و جناقی نگاتیف Negatif و صلیب منفی و خطوط پلهای شکل مشاهده گردیدند در تمدن های پیش از تاریخی دشت خوزستان هم رقم خورده است. نتیجهی مقایسه محدود به اصل نفوذ و تأثیر نقوش روی سفال هاست که نه تنها نمایندهی پیشرفت و دامنه‌ی تمدن های ابتدایی است بلکه نشان دهنده‌ی دامنه‌ی نفوذ و روابط آنها نیز می باشد. (نگارنده)

هنرمندان سفالگر این تمدن ها اشخاص بیگانه‌ای نبوده‌اند و نفوذ هنر خود را در قسمت غرب ایران تحت تسلط معیارهای سفال «نخودی رنگ و قرمز رنگ» محدود نکرده‌اند^(۱)، بلکه هنر آنان با نیروی کشش پذیری تا دور دست ترین نقاط کشیده شده است. می توان گمان کرد اقوامی که نقش صلیب را روی سفال های خود کشیده‌اند از آن منظور خاصی را تعقیب می کرده‌اند.

در عمق ۱۸ متری تهی گیان اشیائی به دست آمده که سفال آن ضخیم و دارای خُخل و فُرَج بوده است. این اشیا دارای رنگ مضاعف نخودی و روشن و رنگ سیاه بوده و بر روی آن نقوش نردبانی و زیگزاگ و خطوط موازی کوچک دیده شده است. روی بعضی از اشیا نقش شبیه صلیب دیده شده و طرز بارزی که فقط در این عمق به چشم می خورد زینت دوکی شکل یا لوزی شکلی است که در کاوش های تهی موسیان نیز شبیه این نقش با ضمایمی کج به دست آمده است. در گیان بیشتر به نظر می رسد که از بال های پرندگان تقلید شده و نظایر این سفال ها در آنو^(۲) Anu به دست آمده است. طبقه‌ای که در عمق ۱۸ متر قرار دارد اثراتی از ساختمان های اولیه در آن دیده شده که دیوارهای گلی بر روی پایه‌های

۱- سفال نخودی رنگ و قرمز رنگ، برای بررسی فرهنگ های پیش از تاریخ ایران، دکتر دونالد امکاگان ایران را به دو منطقه‌ی فرهنگی:

الف - منطقه‌ی فرهنگی زیر نفوذ سفال نخودی

ب - منطقه‌ی فرهنگی زیر نفوذ سفال قرمز رنگ که امروز مردود شناخته شده است، تقسیم کرده است.

۲- تهی آنو Anu واقع در ترکمنستان، در ابتدای قرن بیستم پامپلی R. Pumpelley در نزدیک عشق آباد کاوش هایی به عمل آورد و سفال های منقوشی از قدیمی ترین طبقه‌ی این تپه به دست آورد.

سنگی نهاده شده و سفال آن در انتها سفید رنگ و در بعضی مواقع کمی سبزرنگ و گاهی واجد نقش هندسی مخصوصاً لوزی است .

در عمق ۱۴ متری ، نقش حیوانات بر روی تکه سفال‌ها به چشم می‌خورد . تکه سفالی که دارای ۳ نقش ، یک حیوان بزرگ بدون شاخ ، یک بزکوهی با دم پیچیده و شاخ به عقب برگشته و بزکوهی دیگری که دم آن در دو قسمت پیچیده به نظر می‌رسد و دارای شاخ نوک تیز است مشاهده شده . ضمناً نقش دو بزکوهی که پنجه‌هایشان به صورت کاملاً نیم‌رخ که هر یک دیگری را می‌پوشاند با طرح بسیار ساده تنظیم شده‌اند . در سطح بالاتر ، این بزهای کوهی دارای موهایی در ناحیه صورت به حالت قری و کاملاً استلیزه شده به نظر می‌رسند .

در ارتفاع ۹/۵ متری تپه ، خرده کوره و سفال و نقش پلنگ مشاهده گردید (در موسیان این وضع شناخته شده) و بالاخره در عمق ۹ متر آن خرده‌های ظروف نمایان می‌گردند و نقوش پرندگان استلیزه شده بر روی لبه‌ی آن مشاهده گردید .

وجود تبری در عمق ۷ متری و یک سنجاق در عمق ۱۴ متری تپه به طور واضح ثابت می‌کند که فلز از مدت‌ها قبل مورد استفاده قرار گرفته است .

در عمق ۱۲ متری تپه ظروفی دیده شده است به شکل فنجان آب‌خوری که دیواره‌ی آن به داخل خم شده و تمام آن به لعاب براق مزین بوده است . بعضی از قسمت‌های آن به خطوط افقی و تزیینات دیگر مزین بوده است . در عمق ۱۵ متر تپه ، طرح ساده‌ی انسان که مزین به رنگ زرد است بر روی کاسه‌ای به دست آمده است . از عمق ۱۱ متر آن ظروفی به دست آمده که بزکوهی را در حال جست‌وخیز نشان می‌دهد . گفتنی است کوزه‌گران شوش نیز از این نقوش بر روی سفال‌های خود به کار برده‌اند .

به‌طور کلی سکونت در این لایه‌ی از گیان تغییراتی را در ظروف سفالین به وجود آورده است . در قدیمی‌ترین لایه‌ی این طبقه جام‌ها و یا ساغرهایی با اندک انحنا در زیر لبه که مشحون از اشکال حیوانات با طرح‌های هندسی و یا آرایش به شکل گیسوی بافته‌ی بانوان است به دست آمده (۱).

۱- کامبخش فرد ، سیف‌الله ، تهران ۳۲۰۰ ساله ، بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی ، نشر فضا

گريشمن معتقد است منشأ این ظروف از قوم "هوري" گرفته شده که از قرن چهارده پیش از میلاد تسلط خود را به زاگرس که مسکن گوتی‌ها بوده گسترش داده‌اند و این نفوذ هنر بین‌النهرین است (۱).

میان ۵ ب

در این طبقه آثار ساختمان‌های ابتدایی اولیه نمودار می‌شود. دیوارهای این تأسیسات از چینه ساخته شده و گاه روی پایه‌های سنگی قرار دارد. خصوصیات سفال‌های این لایه با سفال‌هایی که در قشرهای فوقانی دیده شده متفاوت است.

این لایه از عمق ۱۸ متر تا ۱۴ متر تپه را در بر می‌گیرد. وضعیت کلی سفال نسبت به دوره‌ی قبل بهتر است. چون تمپر گیاهی کم‌تر است ولی با این وجود سفال هنوز نرم است. حرارت بهتر کنترل شده است. نقوش عموماً هندسی و با رنگ سیاه روی لعاب گلی غلیظ قهوه‌ای متمایل به قرمز کشیده شده است.

دامنه‌ی گیان ۵ «ب» علاوه بر موسیان تا بین‌النهرین نیز کشیده شده است.

میان ۵ ج

این لایه از عمق ۱۴ متری تپه گیان شروع می‌شود. نقوش سفال‌ها در این لایه عوض می‌شوند و تأثیر هنری پنج الف بر پنج ب هم‌چنان بر این لایه نیز وجود دارد، متنها نوع و شکل سفال‌ها بیشتر شده است.

نقش حیوان در این لایه بیشتر به صورت بزکوهی و غزال است. برخی از نقوش حیوانی بدون شاخ است یا بزکوهی است با دم بافته و شاخ به عقب برگشته و برخی با دم بافته و دو شاخ که کاملاً به جلو متمایل هستند. در این لایه نقوش مختلف بزکوهی به وفور دیده می‌شود. دسته‌ای از حیوانات چنان نقش شده‌اند که گویی در استراحت‌اند. پنجه‌ها از

پهلوسخت و یکی روی دیگری افتاده است با شاخ‌های استوار و عده‌ای نیز در حال چهارنعل با هیبتی بسیار ساده هستند و بدنشان از دو مثلث شکل گرفته است .

از عمق ۱۲ متری تپه نقش بز بر روی سفال‌ها به فراوانی یافت می‌شود . موی چانه‌ی این بزها چند قسمتی است و پیش آن‌ها به سوی جلو متمایل است . لایه‌ی ۵ گیان تابع تأثیرات پیچیده‌ای است که نشان دهنده‌ی تحولات نقاشی و سفالگری در این عهد است . شاید بتوان گفت گیان مانند پلی در سر راه شوش و سیلک قرار گرفته است . زیرا این دوره را باید چنان در نظر آورد که روابط تجاری و غیره به سرعت و بیش از پیش رایج گردیده‌است . دلیل این مطلب وجود مهرهای دکمه‌ای و نیز لوله‌های استوانه‌ای است که دلالت بر وجود مالکیت و تجارت می‌کند .

شاید نقوش گیان پنج ج از ناحیه‌ی سیلک و چشمه‌علی^(۱) اخذ شده باشد^(۲) .

گیان ۵ "د"

از ۹ متری تپه‌ی گیان تکه پاره‌ی گلدان‌هایی به نظر می‌آیند که روی کناره‌های آن‌ها پرندگان از قبیل غاز ، مرغابی و لک لک نقش شده‌اند . خطوط آن‌ها سیاه یا قهوه‌ای یا قرمز است و خمیره‌اش زرد رنگ و کاملاً پخته و ظریف و سخت است . قبور سمت زیرین طبقه‌ی ۴ در این لایه کنده شده و به نظر می‌رسد آثار لایه‌های ۴ و ۵ مخلوط شده‌اند . با مراجعه به نقش‌مایه‌های این دوره این حقیقت روشن می‌شود که ترکیبات نقوش و دکور روی پاره سفال‌ها بیشتر از پرندگان و احياناً پلنگ و بزکوهی تحت نفوذ دوره‌ی پیش از آن

۱- چشمه علی ، این تپه در نزدیکی ری واقع است . در سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۳۶ هیبتی از نمایندگان موزه‌ی هنرهای زیبای بوستن در چشمه علی ری به کاوش پرداخت . پیدایش آثار تمدن چشمه‌علی از شش هزار و دویست سال پیش مشهود است و آن ارائه‌ی سفالینه‌های قرمز آجری ، قهوه‌ای رنگی است که بدون چرخ سفالگری ساخته شده . فرم رایج به صورت کاسه و بشقاب است . از اختصاصات این سفال‌ها نقش اندازی‌های پر از حیات و تحرکی هستند که بدنه‌ی آن‌ها را پوشانیده‌اند .

۲- ملک شهمیرزایی ، صادق ، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران ، جزوه‌ی درسی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ۱۳۷۷

یعنی پنج ج شکل گرفته است .

طبقه‌ی ۴ گیان

در خارج قبور در محلی که طبقه‌ی ۴ و ۵ با هم مخلوط شده‌اند به خرده‌های ظروفی برخورد می‌نماییم به شکل لیوان‌های پایه‌دار که با خطوط متفاوت مزین شده‌اند . اشیای طبقه‌ی ۴ شامل سبوه‌های دهانه‌گشاد و کوزه‌های کوچک دسته دار بدون نوک با پایه‌های پهن است .

ظروف کوچکی که همراه جسد در داخل قبور گذارده شده ، با ظروف بزرگ‌تری که محل حفظ آذوقه بوده ، یا برای حمل آب به کار می رفته در داخل قبور دیده شده‌است . خمیر سفال‌ها خوب پخته شده و دارای رنگی زرد و بعضاً آجری رنگ هستند و نوع ترین ظروف یکسان نیست . یکی مزین به خطوط موازی منحنی و دیگری عکس جهت خطوط اولیه است و در آن نقشی از بزکوهی دیده شده است . کوزه‌های به دست آمده دهانه‌گشاد و منقوش به خطوط دایره شکل است با منحنی‌های کوچک و با خطوطی که آب را نشان می دهد . این خطوط به وسیله‌ی خط مقمری که انتهای آن به سرپرنده‌ای ختم می شود شبیه حیوانات استلیزه شده‌ی شوش ۱ به نظر می رسند^(۱) . نقوش هاشوری در این طبقه به وفور یافت می شود .

نمونه‌ی دیگر در این طبقه نقش عقاب است با بال‌هایی که جهت ایجاد تعادل گسترده شده و طعمه‌ای را شکار می کند و نمایانگر عقاب های دوسری است که در هنر سومری قدیم فراوان دیده است . مورد دیگر نقش مرغابی است که روی آب شناور است و نمونه‌ی دیگر نقش پرندگان آبی است با پرندگانی که در کنار پرندگان بزرگ‌تر قرار گرفته‌اند .

در مجموعه‌ی ترین گیان دواير متحدالشکلی زائده‌دار که البته شکل آن‌ها خراب شده و در داخل هم قرار گرفته‌اند به دست آمده است^(۲) . همچنین کوزه‌های مزینی با

1 - G. Contenau , la Civilisation de ...P . 23

۲- ملک شهمیرزادی ، صادق ، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران ، جزوه‌ی درسی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ۱۳۷۷

تزیینات دکمه مانند برجسته‌ای در اطراف دهانه‌ی آن‌ها و با نقاشی ساده و اولیه به دست آمده است با مثلث‌هایی که رأس آن‌ها به طرف بالا و پهلوی آن‌ها به طرف داخل خم شده‌اند. در اواسط این طبقه ظروف دسته‌دار کوچکی که نوک آن‌ها استوانه‌ای شکل بوده و دسته‌ی آن‌ها به صورت مورب بر روی شکم قرار دارند با رنگ بعضاً قرمز دیده شده است و گمان می‌رود نوع سفال آن‌ها از نوع سفال‌هایی است که در لایه‌های بالا به دست آمده است.

مرحله‌ی پایانی سفال‌های نوع گیان ۴ مربوط به اواخر هزاره‌ی دوم ق.م. است که بعد از آن سفال‌های نوع گیان ۳ که از قبور گیان به دست آمده و برابر با گودین ۳ است مشاهده می‌شود^(۱).

شاید بتوان گفت مراحل اولیه‌ی تکامل فرهنگ گیان در طبقه‌ی ۴ بوده است که با سفال‌های منقوش مشخص شده است. گستره‌ی این فرهنگ از نهاوند تا بروجرد را شامل می‌شود. در قبرهای کشف شده‌ی این لایه گورهای مفرغی و نقره‌ای متعددی یافت شده است. از جمله‌ی آن‌ها طوق‌ها و گردن بندهای مروارید با گورهای آویزان است. سنجاق‌های مفرغی برای ثابت نگاهداشتن دامن و جامه، بعضی بدون سرو برخی با سری پیچیده و پهن، فراوان دیده شده است^(۲). (به علت این که در این زمان فلز مفرغ کمیاب بود و احتمالاً از طلا و نقره ارزش بیشتری داشت. ایران در این زمان وارد عصر مفرغ می‌شود).

طبقه‌ی ۳ گیان

طبقه‌ی سوم در فاصله‌ی حدود ۷/۵ متری تپه است و عمیق‌ترین قبور در این طبقه وجود دارد. در این طبقه تغییرات اساسی در سفال‌ها دیده می‌شود. رنگ سفال نخودی و روشن است و نقوش با رنگ سیاه بر زمینه‌ی نخودی کشیده شده است.

۱ - واندنبرگ، لوئیس L. Vanden bery، باستان‌شناسی ایران، ترجمه‌ی عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۹

۲ - طلایی حسن، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول ق.م. انتشارات سمت، چ اول،

این نوع سفال‌ها در گیان فوق‌العاده شاخص هستند^(۱). نوعی سفال قرمز آجری رنگ نیز با نقش سیاه در ظروفی که به شکل سه پایه هستند با دسته‌ای لویی شکل، بسیار جالب و استثنایی به نظر می‌رسند. البته در این لایه هم علاوه بر ظروف سه پایه، تنگ‌های شکم‌دار و پایه‌دار و فنجان‌های دسته‌دار دیده شده‌اند^(۲).

(شاید این سفال‌ها محور شناسایی غرب ایران است و فقط در گیان موجود است. البته نوع بدون دسته‌ی آن در سگرآباد قزوین نیز دیده شده است).

در این جا سفالگر در قسمت پایین سفال‌ها نقوشی از چشم و سر حیوان نقش کرده و گاهی دیده می‌شود یک یا دو لیوان برکناره‌ی ظرف لحیم شده است. همچنین ظروفی به شکل پنجه‌ی حیوانات با رنگ تریبنی سیاه و خطوط افقی کم و بیش ضخیم با خطوطی که آب را نمایش می‌دهد و با مثلث‌هایی که پهلوی آن‌ها به داخل خم شده‌اند یافت شده است. تزیین روی گلدان‌های این طبقه نیم‌دایره‌های متحد‌المركز است هم‌چنین مجسمه‌های گلی خیلی کوچک که با خطوط و رنگ‌های گوناگون عجیب نقاشی شده و نوعی جام که با نقش سر حیوانات تزیین شده و ظروفی که لبه‌ی آن‌ها از سر حیوانات تشکیل شده در این طبقه به وفور یافت می‌شود. هم‌چنین فنجان‌های آبخوری و چند حلقه‌ی انگشتری و به‌خصوص سنجاقدایی که سر آن‌ها صاف و یامخروطی شکل‌اند دیده می‌شود. سه قسمت فوقانی این سنجاقدها با خطوط کوچک موازی مزین شده و قسمت پایین آن‌ها دارای منفذهایی است که از حلقه‌ای می‌گذرند. طاقانات فرنگی

* * *

به طور کلی گیان در طی هزاره‌ی دوم ق.م. از حیث تداوم زندگی و سبک هنری منبعی سرشار از اطلاعات گران‌بهاست و ما را از جریانات مختلف ایران در این عصر آگاه می‌سازد. طبقه‌ی سوم گیان، که به نظر می‌رسد معرف دنباله‌ی تمدن بومی ظروف سفالین

۱- ر.گیرشمن، ایران از... ص ۴۹

۲- ملک شه‌میرزادی، صادق، باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران، جزوه‌ی درسی مقطع

کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

منقوش باشد، با ظهور ابزارهای جدید از قبیل کِرنوی^(۱) و سه پایه شاخص شده است. منشأ این ظروف عجیب را بیشتر باید در مغرب در سوریه یا آسیای صغیر جست و جو کرد. چه حقیقتاً در این مناطق هر دو نوع ظروف یافت شده است.

به نظر می رسد که در بعضی قسمت های زاگرس سه پایه بیشتر متداول و باب بوده و استعمال آن در آن جا ادامه یافته است. مخصوصاً در لرستان که از مقابر آن توأم با اشیای مفرغی که تاریخ آن ها به هزاره ی اول می رسد مقداری ظروف از نوع مذکور به دست آمده است. این سفال ها بسیار ظریف و نازک و خوش پخت و اغلب لعابی به رنگ زرد آجری روشن و سفید بوده که بر روی رنگ زرد مایل به سبز ترسیم شده است^(۲).

از آن جایی که بین سفال های گیان ۴ و ۳ مشابهت و وجوه افتراق وجود دارد به نظر می رسد نوآوری فرهنگی در گیان ۳ در راستای سنت های موجود این فرهنگی بوده است. نفوذ این فرهنگ از حدود سال ۱۹۰۰ ق.م. به بعد گسترش یافت و شامل بیشتر قسمت های لرستان شد^(۳).

طبقه ی دوم گیان

ضخامت این طبقه ۲ متر است و قسمت هایی از بناهای اول و دوم را شامل می شود. در این طبقه ما با دو نوع سفال مواجهیم.

۱- نوعی ظروف بدون تجهیز یا با دسته های کوچک منفذدار (البته دهانه های ظرف شبیه منفذ است). این سفال ها با نقوش برجسته ای در قسمت شکم ظرف مزین شده اند. همچنین سفال هایی با چهارخانه های لوزی مانند و نقش های دیگر، مربوط به پرنده گانی است به صورت خروش های کوچک با گردنی عمودی و بادبزنی شکل.

۱- ظروف کرنوی Kermoi، بشقاب های بزرگ گلی که در آن میوه می نهادند، (یونانی است).

۲- واندنبرگ، لئویس L. Vanden bery، باستان شناسی ایران، ترجمه ی عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۸۹

۳- طلایی، حسن، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره ی اول ق.م. انتشارات سمت، ج اول،

۲) نوع دیگر ظروفی است که نقش قسمت فوقانی آن‌ها از سه خانه‌های مثلث شکل است با حاشیه‌های ناهموار. در قسمت‌های خالی آن‌ها شکل خورشید دیده می‌شود.

این سفال‌ها بسیار ظریف و نازک و خوش بخت‌اند و اغلب دارای لعابی به رنگ زرد و آجری روشن (سفید) هستند که بر روی رنگ زرد مایل به سبز ترسیم شده‌اند^(۱). از ویژگی‌های فرهنگی گیان طبقه‌ی ۲ شباهتی است که بین سفال‌های این فرهنگ با سفال‌های فرهنگ دین خواه در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه وجود دارد.

بیشترین اطلاعات ما درباره‌ی فرهنگ گیان ۲ از تجزیه و تحلیل اشیای به دست آمده از قبرها است. قبور این طبقه را می‌توان به ۳ گروه تقسیم نمود.

۱- گروه IIA که از نظر لایه‌نگاری روی گیان طبقه‌ی ۳ و در عمق بین ۴/۳۰ و ۵/۵۰ متر از سطح تپه قرار گرفته‌اند. اشیای داخل این قبرها تا حدی به اشیای به دست آمده از فرهنگ‌های شمال غربی ایران (دین خواه) شباهت دارد. از جمله سنجاق‌های ته گرد مفرغی و کاسه‌های لبه مسطح که لبه‌ی آن‌ها منقوش است و نقوش دیگری که به نقش‌های دین خواه شباهت دارند.

در این صورت قبرهای گیان IIA بایستی تاریخی در حدود سال ۱۵۰۰ ق.م. داشته باشند که این تاریخ با تاریخ طبقه‌ی ۳ گیان مطابقت دارد.

۲- گروه IIB که شامل شش قبر و در عمق بین ۴ و ۴/۶۰ متر از سطح تپه است. در این قبور سفال‌های منقوشی وجود دارد که شبیه سفال‌های IIA است. نقوش مشخص سفال‌های این قبرها نقش آفتاب و پرندگان است. بیشترین اشیای قبرهای فرهنگ گیان ۲ مربوط به قبور گروه IIB است. مشابه اشیای به دست آمده از این قبور در قسمت‌هایی از منطقه‌ی قفقاز دیده شده است و تاریخ آن را ۱۴۰۰ ق.م. تعیین کرده‌اند.

در زمره‌ی جواهرات داخل قبور مدالی دیده شده است به شکل ستاره که با فلزنی تزیین شده و شبیه آن را می‌توان در فرهنگ دین خواه^(۲)، مارلیک^(۳) و سگزاباد پیدا کرد.

۱- گیرشمن و کنتنو منبع قبلی.

۲- دین خواه تپه، این تپه در سال ۱۹۳۶ به وسیله‌ی استین کشف شد و در سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۶ مجدداً به سرپرستی دایسون و ماسکارالا حفاری شد. این تپه در دره‌ی سلدوز در ۱۶

بنابراین براساس این مقایسه می توان تاریخی در حدود سال های ۱۵۰۰ تا ۱۴۰۰ ق.م. را برای این گروه از قبرهای گیان ۲ پیش بینی کرد.

۳- گروه IIC که شامل ۹ قبر است و در عمق بین ۳/۴۰ و ۴/۹۰ متر از سطح تپه قرار گرفته است. سفال های به دست آمده از این قبرها پایان سنت سفال های منقوش را در این محل نشان می دهد به طوری که در تپه گیان در حدود سال های ۱۲۰۰ - ۱۱۰۰ ق.م. سفال های منقوش دیگر دیده نمی شود^(۳).

با این وجود می توان دریافت که در طبقه دوم گیان بازگشتی دیده می شود به سوی تزیینات تصاویر آن دسته از حیواناتی که در لایه سوم متروک مانده بود.

گیرشمن معتقد است: این تزیین، شکل جدیدی است که به وسیله "متپها"^(۵) مشخص است و سبکی است که در نیمه هزاره دوم در مناطق بسیار دور از ایران رواج یافته و حتی به فلسطین هم رسیده است. به موازات این ظروف بومی ظروف دیگری می توان یافت که از خاک کوزه گری لطیف و درخشان ساخته شده و به علایمی که دقیقاً هندسی است با رنگ سیاه تیره که گاهی نامرغوب است منقوش گردیده. رواج این نوع ظروف که به آن کالای خابور نیز می گویند از سوی مغرب تا حدود ناحیه بحرالزوم است^(۶).

از قبور گروه IIC یک مهر استوانه ای به دست آمده که از نظر سبک شبیه مهرهای بین النهرین هم آفتی با این تاریخ است. این سبک مهرها در ایران تا اوایل عصر آهن ادامه داشته است.

کیلومتری مرز عراق با ایران واقع شده است.

۳- تپه مارلیک (چراغعلی تپه) در جنوب دهکده نصفی یکی از دهات رودهای گیلان واقع شده است.

۴- طلایی، حسن، طلایی، حسن، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م. انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۸ و ۲۹

۵- متپها Metopes، فاصله مربع و اغلب زینت شده بین دو Triptyche در ظروف دُری Dorique است

۶- گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۵۹

طبقه‌ی یکم گیان

این طبقه حدود ۴ متری از سطح تپه فاصله دارد. آثار ساختمانی طبقه‌ی یکم در این منطقه به چشم می‌خورد. سکونت در گیان طبقه‌ی ۱ تغییراتی را در ظروف سفالین به وجود آورده است. در قدیمی‌ترین لایه‌ی این طبقه جام‌ها و یا ساغرهای با اندک انحنا در زیر لبه دیده می‌شود که از اشکال حیوانات، طرح‌های هندسی و آرایش به شکل گیسوی بافته‌ی بانوان مشحون است.

گیرشمن معتقد است: منشأ این ظروف از قوم «هوری» گرفته شده که از قرن ۱۴ پیش از میلاد تسلط خود را به زاگرس که مسکن گوتی‌ها بوده گسترش داده‌اند و این نفوذ هنر بین‌النهرین بوده است.

در جدیدترین لایه‌های گیان (اول ۲ و اول ۳) و بر روی لایه ساغرها و جام‌ها ناگهان ظروف خاکستری سیاه پدید آمده که قبلاً در آن جا دیده نشده بودند.

به‌هر حال اسکان گیان اول تابع تأثیرات بسیار پیچیده و مبهمی بوده است. مشکل است تغییراتی را که بر ظرف‌سازی این عهد وارد آمده، بدون در نظر گرفتن شرایط اوضاع سیاسی ملل همسایه‌ی ساکن زاگرس در هر دو سوی مشرق و مغرب مورد آزمایش و مطالعه قرار داد^(۱).

در برخی قبور این طبقه فنجان‌هایی با سطح مدور، ظروف دسته‌دار، لبه‌دار و گاهی بدون دسته ولی با دو یا سه برآمدگی هلالی شکل محسوس که جهت گرفتن ظرف است ملاحظه می‌شود. تمام این ظروف سفالین تقریباً بزرگ و خمیر آن‌ها نیم‌خالص و ضخیم است و رنگ آن‌ها به خاکستری یا سرخ یا قرمز تیره متمایل‌اند.

در این طبقه لیوان‌های بزرگ دسته‌دار و ظروف شکم‌دار بیضی شکل و نوعی جام دسته‌دار یا لبه‌ی بلند مشاهده می‌شود سفال‌های این طبقه منسوب به ۱۴۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م. است.

در طبقه‌ی اول و هم‌زمان با آخرین مرحله‌ی استقرار در گیان، قبوری به دست آمده است که واجد ظروف و دارای لوله‌های طویل‌اند. حفار عقیده دارد که این ظروف

بسیار شکننده‌تر از آن است که بتوانند در امور روزانه مورد استفاده قرار گیرند. احتمالاً آن‌ها را برای استفاده در مراسم قربانی به هنگام تدفین ساخته‌اند. این نوع ظروف ممتاز در اکثر نقاط و سایت‌های پیش از تاریخی ایران رواج داشته است. ظروف مذکور در سیلک، لرستان، خورویین در مغرب تهران، جنوب دریاچه‌ی ارومیه و دره‌ی سُلدوز یافت شده است.

در این لایه همراه با قبور، ساختمان باشکوه‌ی به دست آمده است که دارای حفره‌های پایه‌ی در به سبک آشوری در قرن ۸ ق.م. است. این امر می‌رساند که تخریب بخشی از این شهرهای مستحکم عمل سپاهیان آشوری بوده و این واقعه مؤخرتر از قرن ۹ تا ۸ ق.م. (عصری که شاهنشاهی آشور با همه‌ی قوا ضد نیروی نو ظهور ایران اقدام می‌کرد) صورت نگرفته است^(۱).



کلیاتی در مورد قبور حفاری شده در تپه گیان

روی هم رفته در طی کاوش های تپه گیان ۱۲۲ قبر پیدا شد. ترکیب و پراکنندگی قبور در طبقات مختلف متفاوت است. از سطح تپه تا عمق $9/50$ متری جمعاً ۱۱۹ قبر و در عمق های ۱۱ تا $13/5$ و ۱۴ متری از سطح تپه هر کدام یک قبر وجود داشته است. از عمق ۹ متر به پایین کودکان در خمره و سپس در گور دفن می شدند.

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| از عمق ۱ تا $3/80$ متری | گروه اول: قبور شماره ۱ تا ۶۴ |
| از عمق ۴ تا $5/5$ متری از سطح تپه | گروه دوم: قبور شماره ۶۴ تا ۸۲ |
| از عمق $6/10$ تا $7/5$ متر | گروه سوم: قبور شماره ۸۳ تا ۱۰۱ |
| از عمق $7/5$ متر تا $9/5$ متر | گروه چهارم: قبور شماره ۱۰۲ تا ۱۱۹ |
| از عمق $10/80$ تا ۱۴ متری | گروه پنجم: قبور شماره ۱۲۰ تا ۱۲۲ |

قبر شماره ۱۲۰ در عمق ۱۱ متری، قبر شماره ۱۲۱ در عمق $13/5$ متری و قبر شماره ۱۲۲ در عمق ۱۴ متری قرار داشتند.

نتیجه

به طور کلی در حوضه ی زاگرس و منطقه ی لرستان با وجود گستردگی منطقه و وجود مکان های متعدد باستانی کاوش های علمی بسیار محدودی انجام گرفته و حتی تعدادی از این کاوش ها فاقد گزارش دقیق و جامعی است.

علت این امر عدم کامیابی کاوشگران در دست یافتن به اشیای مفرغی زیبایی بود که در اوایل همین قرن (شمسی) به وسیله ی قاجاقچیان در بازارهای تهران، کرمانشاه، خرم آباد و هرسین عرضه می شد.

در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی برای اولین بار کاوش هایی به طریق علمی در این منطقه، لرستان شرقی (نهادند)، به وسیله ی "هرتسفلد" صورت گرفت که ضمن بررسی های انجام شده منجر به کشف تپه گیان شد. بعدها "ژرژ کنتنو" و "رومن گیرشمن" کاوش هایی در این تپه انجام دادند. اما این هیئت پس از به دست آوردن اطلاعاتی راجع به این تپه در

مورد استقرارهای مختلف به کار خود خاتمه داد و کاوش کلی تپه به دست فراموشی سپرده شد. چراکه این هیئت موفق به کشف آن نوع خاص از مفرغ، که آن روزها نام لرستان را بر سر زبان‌ها انداخته بود، نشد. به این ترتیب با به دست آمدن اطلاعاتی کلی در مورد ادوار و تمدن‌های مستقر در تپه‌ی گیان حفاری این محل متوقف گردید.

هم‌چنان‌که گفته شد به دلیل تعجیل در حفاری تپه و هم‌چنین به منظور دست‌یابی سریع به برنز لرستان، لایه‌نگاری در تپه‌ی گیان به صورت غیر علمی و متریکی انجام شد. از این‌رو چنین اقداماتی امروز به هیچ وجه مورد قبول جامعه‌ی باستان‌شناسی جهان قرار نگرفته است.

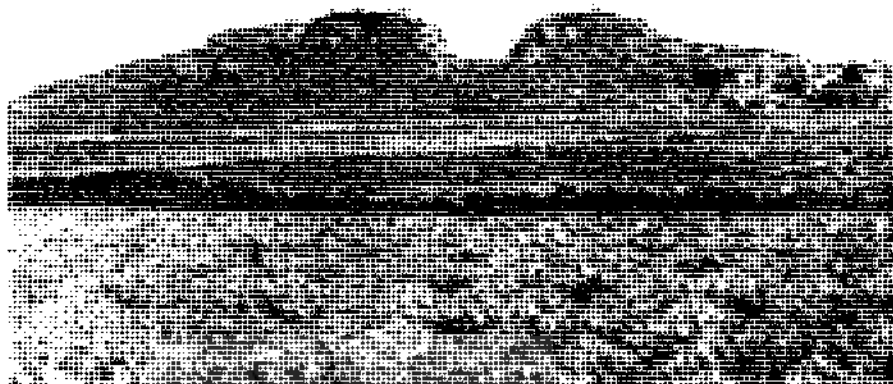
امروزه فرایند کار کاوش در باستان‌شناسی، استراتژی لایه‌شناختی است، نه استراتژی دلخواه. منظور این است که هر باستان‌شناسی لازم است با توجه به شکل و ضخامت هر لایه برای خاکبرداری اقدام کند. در این صورت تمام مواد و داده‌هایی که در یک لایه قرار می‌گیرند به راحتی قابل تشخیص و تاریخ‌گذاری است. اما در روش دلخواه این امر امکان‌پذیر نیست. چراکه ممکن است هر لایه‌ی متریکی چند لایه‌ی فرهنگی (استقرار فرهنگی) را در برداشته باشد و چون ما آن‌ها را در یک لایه بررسی می‌کنیم طبعاً نتایج علمی و مستندی در بر نخواهد داشت.

متأسفانه حفاری در تپه‌ی گیان به این صورت انجام گرفته است. بنابراین در بین باستان‌شناسان جایگاه ویژه‌ای ندارد و فقط می‌توان از طریق بررسی مقایسه‌ای با سایت‌های دیگر، وضعیت فرهنگی تپه‌ی گیان را مشخص نمود.

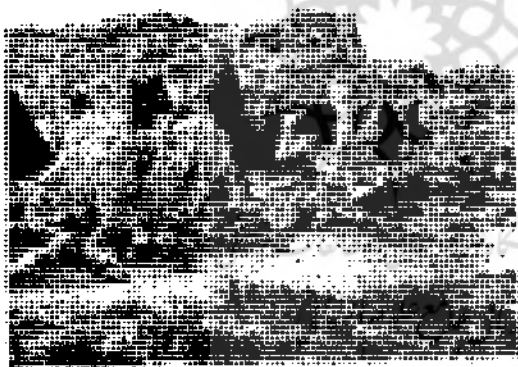
به‌هر حال نگارنده امیدوار است که در آینده تسهیلاتی فراهم شود تا بتوان یک بار دیگر به روش علمی و منظم در این تپه به کاوش پرداخت و نتایج قابل قبولی را کسب نمود.

تصویر شماره ۱ تپه‌ی باستانی گیان - تهاوند






۱۵



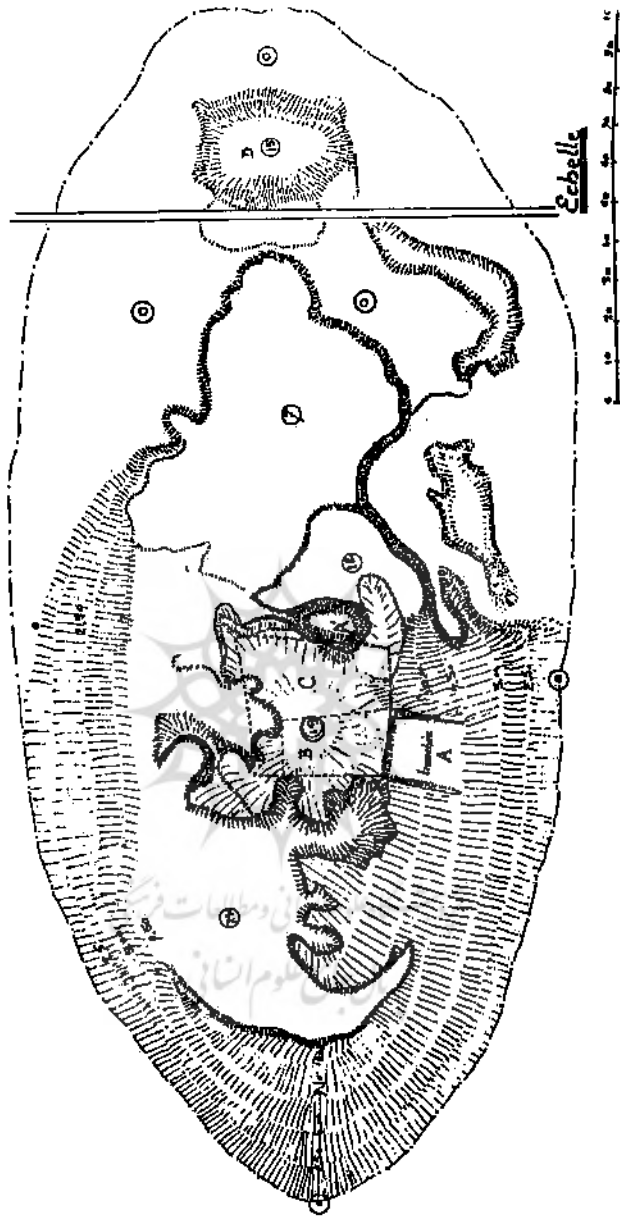
تصویر شماره ۱/۱ تپه گیان از زوایای دیگر



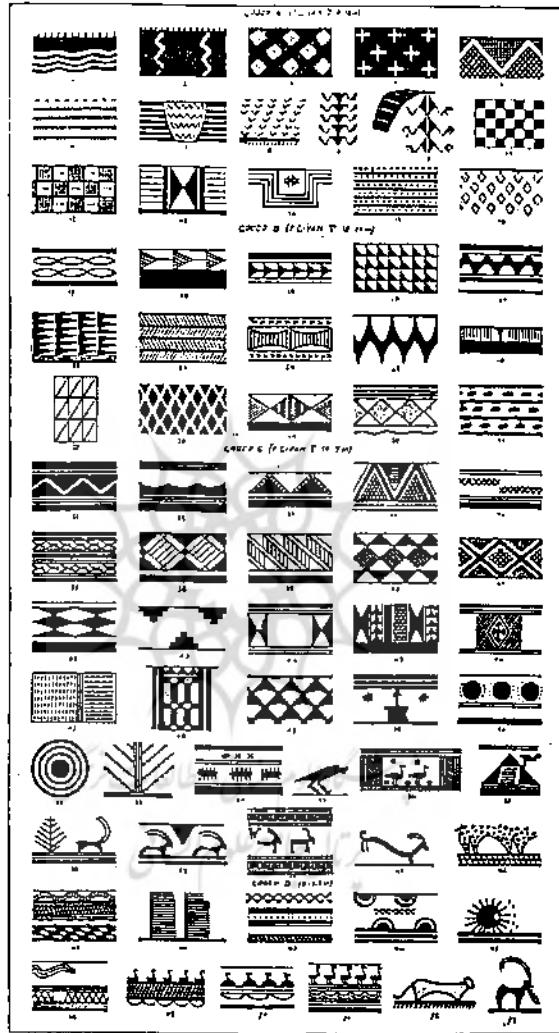
 Nata

 le trait ——— indique le contour de la colline

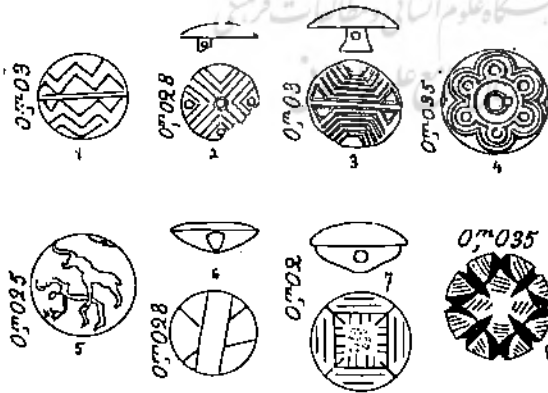
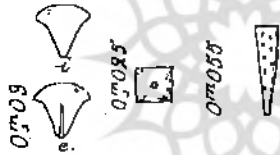
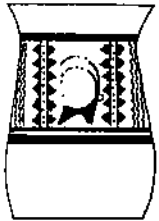
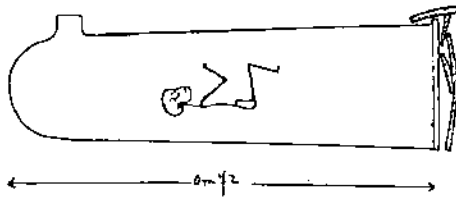
 - - - - - indique le sursisima franchisé.



موقعیت ترانشه‌های حفاری شده در تپه‌ی گیان

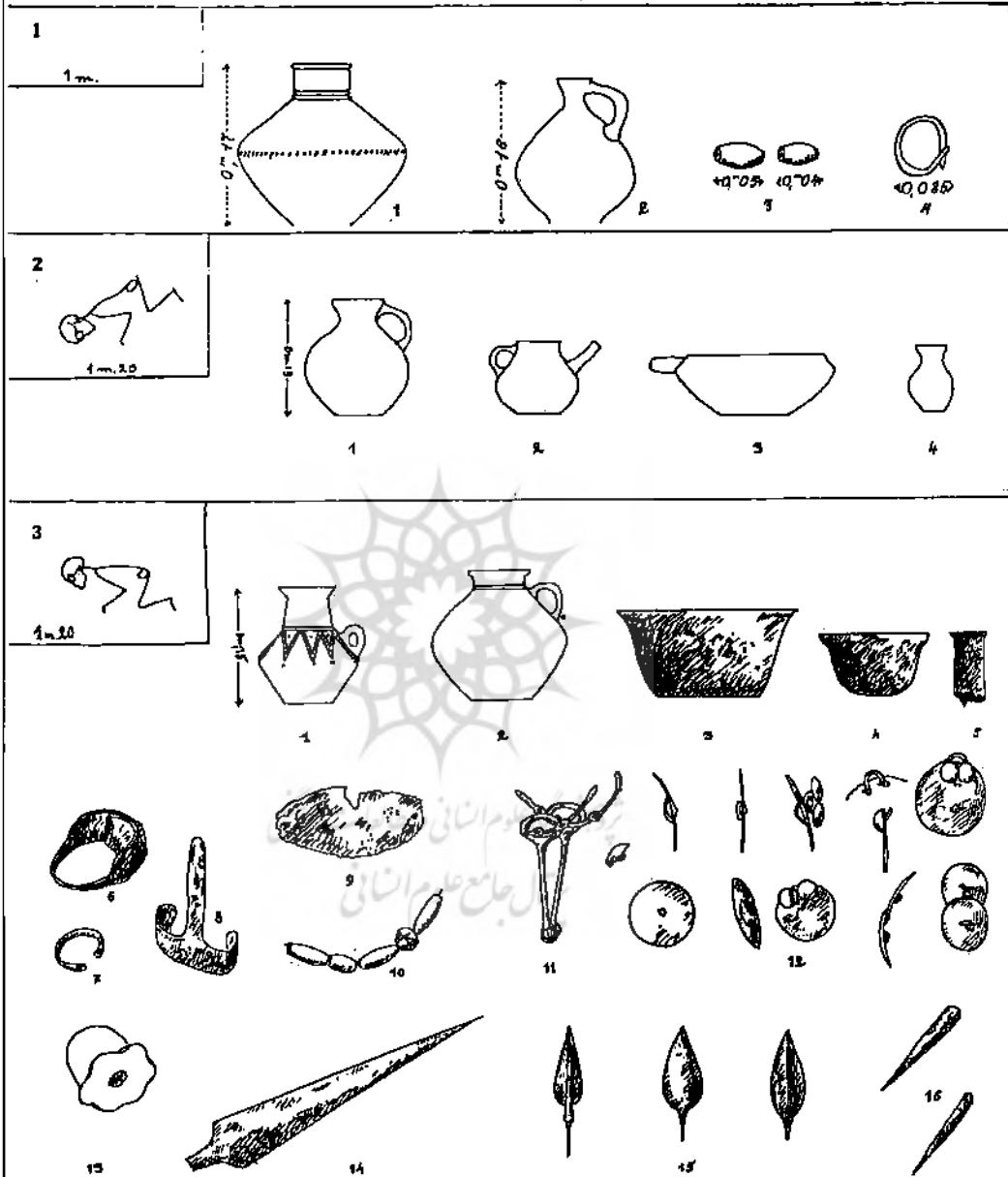


نقش مایه‌های (موتیف) تپه‌ی گیان



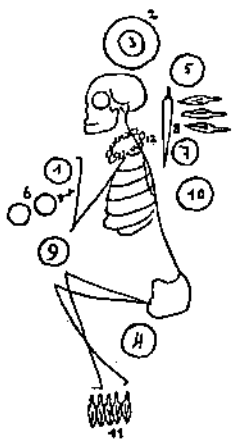
قبر شماره ۱۲۱ و ۱۲۲ و تعدادی از زیورآلات برنزی یافت شده از قبور

COUCHE I

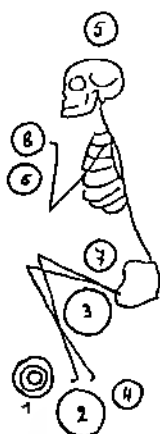


قبور ۱ تا ۳ تهی گیان

TOMBE 77



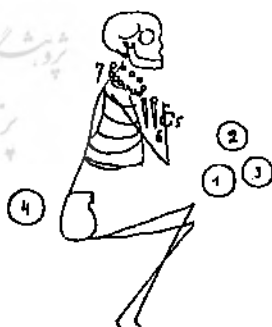
TOMBE 84



TOMBE 52



TOMBE 57



توزیع و پراکندگی ظروف دفن شده همراه اجساد در قبور چهارگانه‌ی فوق